

Research Article

The Effect of CEO Power on Relationship between Management Transactions and Financial Reporting Quality

Somayeh Zaheri bdehvand

Master of Accounting, Payame Noor University of Rey, Tehran, Iran.

Abdolkarim Moghadam⁻

Associate Professor of Accounting, Payame Noor University of Rey, Tehran, Iran.

Ali Tamoradi

Instructor of Accounting, Payame Noor University of Ramhormoz, Ramhormoz, Iran.

Abstract

Management transactions refer to a part of transactions with related parties being conducted by companies with the main business unit managers or their relatives which has so far received less attention in the research literature. Company managers, especially CEOs, are motivated to use their power in facilitating management transactions to maximize their interests; for this reason, they may minimize financial reporting quality for misleading the company investors. Thus, the present study aimed to investigate the effect of CEO power on the relationship between management transactions and financial reporting quality. The research sample included 145 companies listed on the Tehran Stock Exchange, the financial reporting information of which was analyzed during 2012-2018. In order to test the research hypotheses, the multivariate regression model with panel data and fixed effects method are conducted. The findings obtained from testing the research hypotheses indicated that management transactions have a significant negative effect on the financial reporting quality of the companies listed on the Tehran Stock Exchange. In other words, increasing management transactions reduces financial reporting quality. In addition, the findings show that CEO power increases the negative relationship between management transactions and financial reporting quality. Given the importance of financial reporting quality in the decision-making process of financial reporting users, investors should know that managers reduce the quality of financial reporting to cover the effects of managerial misconduct, and as the power of the CEO increases, such relationships are more likely to intensify. As a result, such actions can mislead investors or have adverse effects on shareholder wealth.

Key words: CEO Power, Management Transactions, Financial Reporting Quality.

پژوهش‌های حسابداری مالی

سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی (۴۷)، بهار ۱۴۰۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴، ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

صص: ۸۷-۱۰۸

مقاله پژوهشی

تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی

سمیه ظاهری عبده‌وند*، عبدالکریم مقدم**، علی تامرادی***

*کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور ری، تهران، ایران.

somayeh.zaheri.a@gmail.com

**دانشیار حسابداری، دانشگاه پیام نور ری، تهران، ایران.

a_moghad@pnu.ac.ir

***مربی حسابداری، دانشگاه پیام نور رامهرمز، رامهرمز، ایران.

tamoradi001@gmail.com

چکیده

معاملات مدیریتی، بخشی از معاملات با اشخاص وابسته‌اند که شرکت‌ها با مدیران اصلی واحد تجاری یا خویشاوندان نزدیک به آنها انجام می‌دهند که تا کنون در ادبیات پژوهشی کمتر به آن توجه شده است. مدیران شرکت‌ها، به‌خصوص مدیرعامل ممکن است به‌صورت فرصت‌طلبانه از قدرت خویش در راستای تسهیل معاملات مدیریتی استفاده کنند تا از این طریق منافع خویش را حداکثر کنند؛ به همین دلیل آنها ممکن است برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران شرکت، کیفیت گزارشگری مالی را کاهش دهند؛ از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی صورت گرفته است. نمونه پژوهش شامل ۱۴۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که اطلاعات گزارش‌های مالی آن شرکت‌ها برای هفت سال (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷) بررسی و تجزیه و تحلیل شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره با داده‌های تابلویی به روش اثرات ثابت استفاده شده است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر منفی معناداری دارند. این بدان معناست که افزایش معاملات مدیریتی موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود. همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند قدرت مدیرعامل موجب تشدید رابطه منفی بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود. با توجه به اهمیت کیفیت گزارشگری مالی در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی، سرمایه‌گذاران باید بدانند مدیران برای پوشاندن اثرات سوء معاملاتی مدیریتی، به کاهش کیفیت گزارشگری مالی اقدام می‌کنند و با افزایش قدرت مدیرعامل، احتمال تشدید چنین رابطه‌ای بیشتر می‌شود؛ در نتیجه، چنین اقداماتی می‌تواند سرمایه‌گذاران را گمراه کند یا اثرات نامساعد بر ثروت سهامداران داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، معاملات مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی

مقدمه

در استاندارد حسابداری شماره دوازده ایران برای معاملات و مانده حساب‌های اشخاص وابسته، الزامات حسابداری و شیوه افشای خاصی وضع شده است تا استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی قادر به درک ماهیت و آثار واقعی یا بالقوه این معاملات بر صورت‌های مالی باشند و با توجه به آنها تصمیم‌گیری کنند [۳]. بسیاری از معاملات با اشخاص وابسته برای کاهش هزینه معاملات طی روال معمولی فعالیت‌های شرکت‌ها انجام می‌شوند. در این شرایط ممکن است خطر تحریف با اهمیت ناشی از معاملات با اشخاص وابسته در گزارش‌های مالی، بیشتر از معاملات مشابه با اشخاص غیروابسته نباشد. این نوع معاملات با اشخاص وابسته طی شرایط عادی و سالم انجام می‌شوند [۶۰]؛ با وجود این، در برخی موارد ممکن است ماهیت معاملات و روابط با اشخاص وابسته به‌گونه‌ای باشد که خطر تحریف با اهمیت آنها در گزارش‌های مالی بیشتر از معاملات با اشخاص غیروابسته باشد. این نوع معاملات با اشخاص وابسته غیرعادی‌اند و با اهداف فرصت‌طلبانه برای دستکاری گزارش‌های مالی انجام می‌شوند [۵۵]. در سال‌های اخیر، معاملات با اشخاص وابسته نقش مهمی در رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگ مانند شرکت انرون و شرکت آدلفیا داشتند؛ به همین دلیل معاملات با اشخاص وابسته، یکی از کانون‌های نگرانی بوده است [۵]؛ از این رو، محتمل است مدیران از معاملات با اشخاص وابسته به‌صورت غیرعادی و برای گمراه‌کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی استفاده کنند [۳۱]. مدیران با رفتار فرصت‌طلبانه، انگیزه دارند از معاملات با اشخاص وابسته به نفع خود و در راستای

تصاحب منافع سهامداران اقلیت استفاده کنند و در نهایت با دستکاری اطلاعات صورت‌های مالی، کیفیت گزارش‌های مالی را کاهش دهند تا سرمایه‌گذاران را گمراه کنند [۱۹]؛ به همین دلیل، در پژوهش حاضر به‌جای در نظر گرفتن مجموع معاملات با اشخاص وابسته، تنها به نقش مدیران شرکت در قالب معاملات مدیریتی (معاملات انجام‌شده با مدیران اصلی واحد تجاری یا خویشاوندان نزدیک به آنها) تمرکز شده است که بخشی از مجموع معاملات با اشخاص وابسته‌اند. در این راستا سانچز و همکاران [۵۶] معتقدند معاملات مدیریتی به‌صورت چشمگیری موجب تشدید مسائل نمایندگی شده است و مدیران می‌توانند از این معاملات به‌صورت فرصت‌طلبانه برای منافع خود استفاده کنند. بومسلح و کلاین [۲۴] نیز معتقدند مدیران می‌توانند در قالب معاملات مدیریتی با روش‌های خاص حسابداری و به‌صورت هدفمند با تغییر در اطلاعات صورت‌های مالی، گزارش‌های مالی را دستکاری کنند تا از این طریق به منافع شخصی دست یابند.

همچنین، قدرت مدیرعامل یکی از عواملی است که می‌تواند موجب تسهیل معاملات مدیریتی در شرکت‌ها شود [۲۴]. مدیرعامل به‌عنوان منبعی از قدرت اجرایی بر هیئت‌مدیره نفوذ دارد. اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران همسو نباشد، در این صورت نفوذ و قدرت مدیرعامل مشکل‌ساز می‌شود [۴]. در این راستا بیکر و همکاران [۲۰] معتقدند مدیرعامل ممکن است از قدرت خویش در راستای تسهیل معاملات مدیریتی استفاده کند؛ این امر می‌تواند مخفی‌کاری و تقلب را در گزارش‌های مالی افزایش دهد. به همین دلیل شرکت‌های دارای معاملات غیرعادی مدیریتی، به انتخاب روش‌های

تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سازمان بورس اوراق بهادار را از روابط بین متغیرهای پژوهش برای اعمال قوانین و مقررات آگاه کنند. همچنین، نتایج این پژوهش می‌توانند موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با روابط متغیرهای پژوهش شوند. در نهایت، یافته‌های پژوهش می‌توانند ایده‌های نو برای انجام پژوهش‌های جدید و بیشتر در حوزه بازار سرمایه پیشنهاد کنند.

در ادامه ابتدا مبانی نظری پشتوانه انجام پژوهش از دیدگاه پژوهشگران مختلف ارائه می‌شود. سپس به صورت مختصر پیشینه پژوهش ارائه می‌شود که شامل مروری بر پژوهش‌های خارجی و داخلی پیرامون موضوع پژوهش است. سپس فرضیه پژوهش، روش پژوهش، مدل آزمون فرضیه، تعریف عملیاتی متغیرها و تجربه و تحلیل آماری ارائه می‌شوند. در انتها نیز نتایج و پیشنهادها پژوهش ارائه می‌شوند.

مبانی نظری پژوهش

معاملات با اشخاص وابسته از ویژگی‌های معمول معاملاتی شرکت‌هاست که به صورت «انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آنها» تعریف می‌شود [۱]. بسیاری از شرکت‌ها فعالیت‌های مالی خود را در قالب انجام معاملات با اشخاص وابسته (مدیران، واحدهای فرعی، مشارکت خاص و شرکت‌های وابسته) انجام می‌دهند [۱۵]؛ از این رو، شرکت‌ها با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته قادرند از طریق کنترل مشترک یا نفوذ قابل ملاحظه بر سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکتی تأثیرگذار باشند که در آن سرمایه‌گذاری کردند [۲۶]. معاملات مدیریتی نیز نوعی از معاملات با اشخاص وابسته‌اند که در قالب

حسابداری و تولید اطلاعات مالی تمایل دارند که از شفافیت و کیفیت کمتری نسبت به سایر شرکت‌های مشابه برخوردارند تا امکان تشخیص معاملات غیرقانونی با مدیران توسط سرمایه‌گذاران حداقل شود یا از هرگونه نظارت توسط سایر ذینفعان خودداری شود [۲۵، ۲۹].

تا کنون پژوهش‌های زیادی در زمینه انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته در کشور ایران انجام شده است (از جمله پژوهش شعری و حمیدی [۱۱] و سرلک و اکبری [۱۰])؛ ولی تا کنون نقش معاملات مدیریتی به صورت جداگانه در پژوهشی بررسی نشده است؛ از این رو، با توجه به خلأ پژوهشی در این زمینه، این پژوهش در بورس اوراق بهادار تهران با هدف بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها صورت گرفته است؛ بنابراین، پژوهش حاضر ابتدا به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر دارد. سپس با توجه به اینکه معاملات مدیریتی شامل مجموع معاملات انجام شده شرکت با مدیران اصلی (شامل اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل و مدیران ارشد اجرایی شرکت) است، در این پژوهش به صورت جداگانه به نقش قدرت مدیرعامل توجه شد. در ادامه، پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر دارد.

یافته‌های این پژوهش می‌توانند سرمایه‌گذاران، تحلیلگران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی را در شناخت ماهیت معاملات مدیریتی و اثرات آن بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها یاری رسانند. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌توانند

نتیجه آن آسیب‌رساندن به منافع سرمایه‌گذاران است [۱۸، ۳۰]. براساس این دیدگاه، معاملات مدیریتی منجر به افزایش خطر تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی می‌شوند [۵۳].

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه گزارشگری متقلبانه طی سال‌های اخیر، انگیزه‌های مختلفی را برای چنین اقداماتی برشمرده‌اند؛ اما با توجه به حجم زیاد رسوایی‌های حسابداری - که عمده آنها با دستکاری اطلاعات صورت‌های مالی همراه بوده است - پژوهشگران معتقدند معاملات مدیریتی می‌توانند بستری برای سرپوش گذاشتن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و انجام حسابداری متقلبانه در گزارش‌های مالی به کار روند [۴۲]؛ از این رو، در چنین شرایطی معاملات مدیریتی ممکن است منجر به افزایش وقوع دستکاری اطلاعات صورت‌های مالی به دلیل وجود تحریف‌های با اهمیت مالی شوند [۳۴]. در واقع مدیران شرکت‌ها به دلیل رفتارهای فرصت‌طلبانه، اقدام به حسابداری متقلبانه در قالب معاملات مدیریتی می‌کنند و در چنین شرایطی احتمال دستکاری گزارش‌های مالی افزایش می‌یابد [۳۳]؛ به همین دلیل براساس این دیدگاه، معاملات مدیریتی می‌توانند به کاهش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها منجر شوند [۲۴].

قدرت مدیرعامل یکی از عواملی است که رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل می‌کند. قدرت مدیرعامل به دلیل تأثیر خاصی که بر سیاست‌های مالی و مدیریت سرمایه‌گذاری شرکت‌ها دارد، توجه خاصی را از زمان بحران اقتصادی مالی جهانی تا کنون به خود معطوف کرده است [۲۱]. اگر هدف مدیرعامل استفاده از قدرت خویش در جهت اهداف و منافع شرکت و سهامداران باشد، پدیده‌ای مثبت و کارکردی به شمار می‌آید

انتقال منابع و خدمات به مدیران اصلی واحد تجاری یا خویشاوند نزدیک به آنها انجام می‌گیرند. مدیران اصلی اشخاصی‌اند که به‌طور موظف یا غیرموظف اختیار و مسئولیت برنامه‌ریزی، هدایت و کنترل فعالیت‌های واحد تجاری را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عهده دارند. این مدیران شامل اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و مدیران ارشد اجرایی شرکت‌اند [۱۲].

تأثیر معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی در قالب دو دیدگاه بررسی می‌شود. براساس دیدگاه اول، معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد. براساس این دیدگاه، معاملات مدیریتی به منافع سهامداران آسیب نمی‌رسانند و نشانه معاملات کارآمدی‌اند که می‌توانند به‌عنوان یک روش معقول و متعارف به‌منظور تخصیص منابع داخلی شرکت و کاهش هزینه معاملات انجام شوند و ناشی از نیاز و تقاضای شرکت‌ها باشند [۳۲، ۴۳]. براساس این دیدگاه، مدیران شرکت‌ها چیزی برای مخفی کردن ندارند؛ به همین دلیل اطلاعات صورت‌های مالی را کمتر دستکاری می‌کنند و کمتر سعی بر گمراه کردن سرمایه‌گذاران دارند؛ بنابراین، براساس این دیدگاه، معاملات مدیریتی تأثیر مثبت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند [۳۵]. براساس دیدگاه دوم، معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر منفی دارند. این دیدگاه در مطالعات اخیر بیشتر درخور توجه پژوهشگران مالی و حسابداری بوده است. طبق این دیدگاه، معاملات مدیریتی به افزایش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران منجر می‌شوند [۴۸]. مدیران در راستای رسیدن به منافع خویش در قالب چنین معاملاتی اقدام به خروج منابع شرکت می‌کنند که

[۴۰]. در این راستا لیو و همکاران [۴۷] معتقدند مدیرعامل‌هایی که از قدرت خویش برای منافع سهامداران استفاده می‌کنند، با توجه به عملکرد مطلوب خود چیزی برای پنهان کردن ندارند و ارقام صورت‌های مالی را کمتر دستکاری می‌کنند؛ به همین دلیل چنین مدیرانی خواستار افزایش شفافیت‌اند و کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهند [۴۷].

همچنین، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند قدرت مدیرعامل مشکل نمایندگی را تشدید می‌کند [۴۵]. شواهد نظریه نمایندگی نشان می‌دهد مدیران شرکت می‌توانند به صورت فرصت‌طلبانه در راستای منافع شخصی خود عمل کنند و منافع خود را بر منافع سرمایه‌گذاران مقدم شناسند [۲]. دلیل وقوع رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، قدرت و اختیار تصمیم‌گیری است که از سوی مالکان (سرمایه‌گذاران) به آنها تفویض شده است [۵۹]. مدیرعامل قدرتمند تمایل بیشتری به خودسری و خودرأی بودن دارد و استراتژی‌های با ریسک بیشتر را انتخاب می‌کند [۳۶، ۵۷]. بپچاک و همکاران [۲۲] شواهدی را ارائه کردند که در آن قدرت مدیرعامل با پیامدهای اقتصادی مرتبط با مشکلات سازمانی در ارتباط بوده است. دمرجان و همکاران [۲۸] معتقدند مدیرعامل می‌تواند با توانایی و قدرت خویش، بر تصمیمات گزارشگری مالی مانند کیفیت گزارشگری مالی و شفافیت ارائه اطلاعات تأثیر زیادی داشته باشد. کو و کیم [۴۱] عنوان کردند قدرت مدیرعامل به کاهش ارزش و ضعف عملکرد شرکت منجر می‌شود. تینگ [۶۱] نیز نشان داد قدرت مدیرعامل به افزایش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران منجر می‌شود و مدیران در چنین شرایطی گزارش‌های مالی را دستکاری می‌کنند. سان و لو [۵۹] معتقدند کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌هایی کمتر است که

مدیرعامل اختیارات و قدرت بیشتری دارد. بومسلح و کلاین [۲۴] معتقدند قدرت مدیرعامل می‌تواند به انحراف مدیران از هدف اصلی خود، یعنی حداکثر کردن ثروت سهامداران منجر شود و مدیران با عدم تقارن اطلاعات بین شرکت و سرمایه‌گذاران، در راستای منافع خود گام برمی‌دارند و در قالب معاملات مدیریتی، دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌زنند؛ از این رو، در چنین شرکت‌هایی قدرت مدیرعامل به تشدید مشکلات نمایندگی منجر می‌شود [۲۴]. به اعتقاد استیفان و همکاران [۵۸] نیز قدرت بالای مدیرعامل می‌تواند موجب تثبیت جایگاه مدیریت شود و این امر به افزایش تضاد منافع بین سرمایه‌گذاران و مدیران منجر خواهد شد؛ از این رو، افزایش قدرت مدیرعامل کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد؛ زیرا در چنین شرکت‌هایی مدیران با قدرت خویش با دستکاری اطلاعات حسابداری به دنبال سوء استفاده از منابع شرکت و در راستای دستیابی به منافع شخصی‌اند تا از این طریق به منافع بیشتری دست یابند.

پیشینه پژوهش

بومسلح و کلاین [۲۴] در پژوهشی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و عملکرد شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۷۶ شرکت بورس اوراق بهادار امریکا بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۱ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند قدرت مدیرعامل موجب تشدید رابطه منفی بین معاملات مدیریتی و عملکرد شرکت‌ها می‌شود.

مارچینی و همکاران [۵۱] در پژوهشی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود

فرضیه‌های پژوهش نشان دادند بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین کیفیت حسابرسی موجب کاهش رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود می‌شود.

کوان و همکاران [۳۹] در پژوهشی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۲۰ شرکت بورس اوراق بهادار اندونزی بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند در شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته بیشتر است، دستکاری سود در این شرکت‌ها به‌طور چشمگیری بیشتر از سایر شرکت‌هاست.

مگوشی و همکاران [۵۰] در پژوهشی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۲۵ شرکت بورس اوراق بهادار مالزی بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود شرکت‌ها تأثیر مثبت معناداری دارد.

کونین [۵۴] در پژوهشی رابطه قدرت مدیرعامل و عملکرد شرکت‌ها را بررسی کرد. نمونه پژوهش، ۱۱۵۰۰ (سال - شرکت) در بورس اوراق بهادار آمریکا بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند قدرت مدیرعامل تأثیر منفی معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد.

دایی و حسنان [۲۷] در پژوهشی تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و

شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۴۵ شرکت بورس اوراق بهادار ایتالیا بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۵ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود شرکت‌ها تأثیر مثبت معناداری دارد.

کو و کیم [۴۱] در پژوهشی تأثیر قدرت مدیرعامل بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۲۳۸۰ (سال - شرکت) بورس اوراق بهادار چین بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند مدیرعامل قدرتمند برای پنهان کردن عملکرد ضعیف خود، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد.

مارچینی و همکاران [۵۲] در پژوهشی تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۴۵ شرکت بورس اوراق بهادار ایتالیا بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود شرکت‌ها تأثیر مثبت معناداری وجود دارد. همچنین حاکمیت شرکتی موجب کاهش رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود می‌شود.

ایل - حاللی و همکاران [۳۰] در پژوهشی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۲۱۱ شرکت بورس اوراق بهادار ایتالیا بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون

شرکت‌ها از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود واقعی، تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود واقعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌ها نشان دادند استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی، رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود واقعی را تضعیف می‌کنند. در خصوص تأثیر اندازه هیئت‌مدیره و دوگانگی مدیرعامل بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود واقعی از لحاظ آماری، نتایج معناداری به دست نیامد.

واقفی و همکاران [۱۷] در پژوهشی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته با کیفیت افشا، مدیریت سود و سودآوری شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۱۲ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند «معاملات با اشخاص وابسته» با «رتبه افشا» رابطه منفی و با «مدیریت سود» رابطه مثبت و معناداری دارد؛ اما یافته‌های پژوهش وجود ارتباط معنادار بین معامله با اشخاص وابسته و سودآوری را تأیید نکرده است.

رجب‌لو و عبدلی [۶] در پژوهشی تأثیر راهبری شرکتی بر معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۱۰ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته نسبت به شرکت‌های فاقد معاملات با

کیفیت سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۲۹۴ شرکت بورس اوراق بهادار اندونزی بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت سود، رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین کیفیت حسابرسی موجب کاهش رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود می‌شود.

نعمتی [۱۶] در پژوهشی نقش کیفیت حسابرسی را در رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و مدیریت سود شرکت‌ها بررسی کرد. نمونه پژوهش، ۱۷۶ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند کیفیت حسابرسی موجب تعدیل رابطه مثبت بین معاملات اشخاص وابسته و مدیریت سود واقعی می‌شود.

توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل [۴] در پژوهشی ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۹۰ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند قدرت مدیرعامل تأثیر تعدیل‌کننده منفی بر ارتباط مثبت بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی دارد.

محمدی و همکاران [۱۳] در پژوهشی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر دستکاری فعالیت‌های واقعی، با تأکید بر نقش نظارتی راهبری شرکتی را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۳۰ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود که اطلاعات مالی این

فرضیه دو: قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اهداف ذکرشده پژوهش، این پژوهش از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر شیوه انجام، توصیفی مبتنی بر داده‌های کمی است. این پژوهش در پی یافتن رابطه بین متغیرهای پژوهش در یک جامعه است؛ بنابراین، پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های همبستگی قرار دارد. همچنین، پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است؛ یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد. همچنین در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مبانی نظری، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. سپس داده‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌ها منتخب و با استفاده از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و تارنمای رسمی شرکت‌ها جمع‌آوری شدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، عملیات تلخیص داده‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش با استفاده از نرم‌افزار اکسل انجام و سپس با استفاده از نرم‌افزار ایویوز ۹ تجزیه و تحلیل نهایی انجام شد. به دلیل اینکه معیار و ضوابط خاصی برای پذیرفتن و تداوم فعالیت شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران و نحوه گزارشگری مالی آنها وضع شده است و نیز وجود مقررات خاص و اعمال نظارت نهاد ناظر، اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی این شرکت‌ها از قابلیت اتکای مناسبی برخوردار بوده است؛ به همین دلیل جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار

اشخاص وابسته، مدیریت سود بیشتری دارند و هرچه حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته افزایش یابد، مدیریت سود افزایش خواهد یافت. همچنین ترکیب هیئت‌مدیره و سهامداران نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود به ترتیب اثر منفی و مثبت دارد.

رضایی و حسینی [۷] در پژوهشی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته عادی و غیرعادی را بر کیفیت سود شرکت‌ها بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۷۷ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود و هموارسازی سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین معاملات با اشخاص وابسته عادی با مدیریت سود و هموارسازی سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین معاملات با اشخاص وابسته غیرعادی با مدیریت سود و هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

سرلک و اکبری [۱۰] در پژوهشی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش، ۱۴۵ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود که اطلاعات مالی این شرکت‌ها از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ بررسی شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه یک: معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

همکاران [۱۴] و زارعی و قاسمی [۹] برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از مدل تعدیل‌شده جونز [۳۷] و بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری استفاده شد [۲۳]. به این منظور، ابتدا کل اقلام تعهدی از رابطه ۱ به دست می‌آیند:

$$TA_{i,t} = NI_{i,t} - CFO_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در رابطه فوق $TA_{i,t}$ کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t ، $NI_{i,t}$ سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه شرکت i در سال t و $CFO_{i,t}$ خالص جریان نقد ناشی از فعالیت عملیاتی شرکت i در سال t است. پس از محاسبه کل اقلام تعهدی، ضرایب α_1 و α_2 و α_3 از طریق مدل تعدیل‌شده جونز (مدل ۱) برآورد می‌شوند.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \frac{\alpha_2 (\Delta Rev_{i,t} - \Delta Rec_{i,t})}{A_{i,t-1}} + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

که در رابطه فوق $A_{i,t-1}$ جمع ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال $t-1$ ، $\Delta Rec_{i,t}$ حساب دریافتنی سال t منهای سال $t-1$ شرکت i ، $\Delta Rev_{i,t}$ درآمد در سال t منهای درآمد در سال $t-1$ شرکت i ، $PPE_{i,t}$ مبلغ ناخالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t و ε_{it} مقدار خطای باقی‌مانده مدل است. در ادامه از ضرایب برآوردی حاصل از مدل ۱ برای محاسبه اقلام تعهدی غیراختیاری برای هر سال شرکت استفاده می‌شود.

| | |
|---|---------|
| $NDA_{i,t} = \beta_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \frac{\beta_2 (\Delta Rev_{i,t} - \Delta Rec_{i,t})}{A_{i,t-1}} + \beta_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right)$ | مدل (۲) |
|---|---------|

تهران است. همچنین برای افزایش پایایی متغیرها، پژوهش طی دوره زمانی هفت ساله (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷) انجام شده است. همچنین به دلیل گستردگی و حجم آماری جامعه و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده‌اند.

۱. شرکت‌ها باید از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۷ در بورس حضور داشته باشند.

۲. شرکت‌ها جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک، بیمه و لیزینگ نباشند؛ زیرا فعالیت و ساختار گزارشگری آنها متفاوت است.

۳. شرکت‌ها در طول دوره زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند و سال مالی آنها منتهی به اسفند ماه باشد.

۴. شرکت‌ها در طول دوره زمانی پژوهش وقفه عملیاتی بیش از سه ماه نداشته باشند؛ زیرا مقایسه پذیر بودن اطلاعات سالیانه آنها کاهش می‌یابد.

۵. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها به منظور استخراج داده‌ها در دسترس باشد.

با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در بالا، در نهایت از بین جامعه آماری به صورت غربالگری ۱۴۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

کیفیت گزارشگری مالی (FRQ): در ادبیات پژوهشی معیارها و مدل‌های زیادی برای اندازه‌گیری و ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی ارائه شده‌اند؛ اما درباره بهترین معیار یا مدل اتفاق نظر وجود ندارد؛ از این رو، در این پژوهش مشابه پژوهش‌های مهرانی و

پژوهش‌های کو و کیم [۴۱]، لی و همکاران [۴۶] و رهنمای رودپشتی و زندی [۸] استفاده شد.

۱- دوره تصدی مدیرعامل (*Tenure*): دوره تصدی مدیرعامل در هر سال برابر با تعداد سال‌هایی است که از زمان تصدی او به‌عنوان مدیرعامل می‌گذرد. برای این منظور با مراجعه به سایت کدال و گزارش مجمع عمومی سالانه شرکت‌ها طی دوره تحقیق و چند سال قبل‌تر از آن، داده مرتبط با دوره تصدی مدیرعامل جمع‌آوری شد. پس از جمع‌آوری داده مرتبط با دوره تصدی مدیرعامل، میانه متغیر محاسبه شد. در نهایت در این پژوهش برای اندازه‌گیری دوره تصدی مدیرعامل از متغیر مجازی دووجهی صفر و یک استفاده شد؛ بدین صورت که اگر تعداد سال‌های تصدی مدیرعامل شرکت در سال مدنظر بیش از میانه تعداد سال‌های تصدی مدیرعامل شرکت‌ها طی سال‌های مختلف باشد، برای این متغیر عدد یک و در غیر این صورت از عدد صفر استفاده می‌شود.

۲- مالکیت مدیرعامل (*Ownership*): مالکیت مدیرعامل به‌صورت درصد سهام متعلق به مدیرعامل شرکت تعریف می‌شود. در صورتی که مدیرعامل مالکیت بالای یک درصد از سهام شرکت را داشته باشد، جزء سهامداران عمده تلقی خواهد شد و نام او در یادداشت‌های صورت‌های مالی و همچنین در سامانه بورس اوراق بهادار^۱ در قسمت سهامداران افشا می‌شود؛ از این رو، برای اندازه‌گیری مالکیت مدیرعامل از متغیر مجازی دووجهی استفاده می‌شود. اگر مالکیت سهام برای مدیرعامل شرکت بیشتر از یک درصد باشد، این متغیر برابر یک است؛ در غیر این صورت از عدد صفر استفاده می‌شود.

۳- تخصص مدیرعامل (*SpeCEO*): اگر مدیرعامل دارای مدرک مالی و حسابداری باشد، توانایی و قدرت بیشتری خواهد داشت. بدین صورت برای

$NDA_{i,t}$ جمع اقلام تعهدی غیراختیاری شرکت i در سال t است. در مرحله آخر، اقلام تعهدی اختیاری (DA) به‌صورت زیر محاسبه می‌شوند.

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t}$$

با توجه به پژوهش‌های پیشین اشاره‌شده، در این پژوهش از قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان معیار کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده و در نهایت برای به‌کارگیری آن در آمار استنباطی از قرینه آن استفاده شده است؛ بنابراین، ارزش‌های بالاتر برای این مقدار نشان‌دهنده کیفیت بالاتر گزارشگری مالی است [۱۴].

متغیر مستقل

معاملات مدیریتی (*TM*): در این پژوهش از لگاریتم ارزش ریالی معاملات انجام‌شده با مدیران اصلی واحد تجاری یا خویشاوندان نزدیک به آنها (شامل خرید کالا و خدمات یا فروش کالا و خدمات) به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری معاملات مدیریتی استفاده شد که از یادداشت‌های صورت‌های مالی استخراج می‌شود. براساس استاندارد حسابداری شماره ۱۲، مدیران اصلی اشخاصی‌اند که به‌صورت موظف یا غیرموظف، اختیار و مسئولیت برنامه‌ریزی، کنترل و هدایت فعالیت‌های شرکت را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عهده دارند. این مدیران شامل اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و مدیران ارشد اجرایی شرکت‌اند. منظور از خویشاوندان نزدیک نیز خویشاوند نسبی و سببی طبقه اول تا سوم مدیران اصلی است که انتظار می‌رود در معاملات با واحد تجاری او را تحت نفوذ قرار دهند [۱۲].

متغیر تعدیل‌گر

قدرت مدیرعامل (*CEOP*): در این پژوهش برای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل از سه عامل زیر مشابه

^۱ TSETMC

اندازه شرکت (*SIZE*): برای اندازه‌گیری اندازه شرکت از لگاریتم دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی مدنظر استفاده شد.

اهرم مالی (*LEV*): برای اندازه‌گیری اهرم مالی از نسبت مجموع بدهی‌های شرکت به مجموع دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی مدنظر استفاده شد.

بازده دارایی‌ها (*ROA*): برای اندازه‌گیری بازده دارایی‌های شرکت از نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌ها استفاده شد.

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چندمتغیره شماره ۴ و ۵ استفاده می‌شود.

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 TM_{it} + \beta_2 ACSIZE_{it} + \beta_3 ACIND_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \mu_{it} \quad (4)$$

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 TM_{it} + \beta_2 CEOP_{it} + \beta_3 (CEOP \times TM)_{it} + \beta_4 ACSIZE_{it} + \beta_5 ACIND_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \mu_{it} \quad (5)$$

که در مدل‌های بالا به ترتیب:

FRQ_{it} : کیفیت گزارشگری مالی شرکت i در سال t است،

TM_{it} : معاملات مدیریتی شرکت i در سال t است،

$CEOP_{it}$: قدرت مدیرعامل شرکت i در سال t است،

$ACSIZE_{it}$: اندازه کمیته حسابرسی شرکت i در سال t است،

$ACIND_{it}$: استقلال کمیته حسابرسی شرکت i در سال t است،

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت i در سال t است،

LEV_{it} : اهرم مالی شرکت i در سال t است،

ROA_{it} : بازده دارایی‌های شرکت i در سال t است.

اندازه‌گیری تخصص مدیرعامل از یک متغیر مجازی دوجویی استفاده می‌شود. اگر مدیرعامل دارای مدرک مالی و حسابداری باشد، این متغیر برابر یک است؛ در غیر این صورت از عدد صفر استفاده می‌شود.

$$\text{مدل (۳)} \quad CEOP = Tenure + Ownership + SpeCEO$$

در مدل فوق، $CEOP$: قدرت مدیرعامل، $Tenure$: دوره تصدی مدیرعامل شرکت، $Ownership$: مالکیت مدیرعامل و $SpeCEO$: تخصص مالی مدیرعامل است. با توجه به مطالب بالا، قدرت مدیرعامل را مجموع سه متغیر مجازی که دارای مقدار صفر و یک هستند، برای هر شرکت در سال مدنظر تعیین می‌کند؛ بنابراین، قدرت مدیرعامل برای هر شرکت در هر سال عددی بین صفر تا سه خواهد بود. در شرکت دارای مجموع عوامل صفر، قدرت مدیرعامل بسیار کم و در شرکت دارای مجموع عوامل سه، قدرت مدیرعامل بسیار زیاد خواهد بود [۴۱].

متغیرهای کنترلی

انتظار می‌رود همانند پژوهش‌های ماجیبو و همکاران [۴۹]، کبیا و همکاران [۳۸]، کوساندی و همکاران [۴۴] و زارعی و قاسمی [۹] اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارند؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر این متغیرها متغیر کنترلی در نظر گرفته شدند.

اندازه کمیته حسابرسی ($ACSIZE$): برای اندازه‌گیری اندازه کمیته حسابرسی از تعداد اعضای کمیته حسابرسی استفاده شد.

استقلال کمیته حسابرسی ($ACIND$): برای اندازه‌گیری استقلال کمیته حسابرسی از نسبت تعداد اعضای مستقل کمیته حسابرسی به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نشان‌دهنده وجود معاملات مدیریتی در سطح شرکت‌هاست. نزدیک‌بودن میانگین متغیر معاملات مدیریتی نسبت به میانه آن نیز نشان می‌دهد داده‌ها تا حدود زیادی به شکل مناسب (متقارن) توزیع شده است. همچنین یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. بین متغیرهای پژوهش، کیفیت گزارشگری مالی و اندازه شرکت به ترتیب کمترین (۰/۱۰۴) و بیشترین (۰/۹۸۴) میزان پراکندگی را دارند. به‌طور کلی انحراف معیار نسبت به میانگین داده‌ها کمتر است که نشان‌دهنده نرمال‌بودن متغیرهای پژوهش است.

آمار توصیفی در نگاره ۱ نشان داده شده است. براساس داده‌های پژوهش، قدرت مدیرعامل عددی بین صفر تا سه می‌تواند باشد که میانگین این متغیر ۱/۱۱ است و نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که اگر داده‌ها به‌ترتیب شوند، نقطه وسط، میانه خواهد بود. مطابق با نگاره ۱، قدرت مدیرعامل ۱/۰۰ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدارند. میانگین معاملات مدیریتی نیز ۵/۸۰ است که

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| شرح | میانگین | میانه | حداکثر | حداقل | انحراف معیار |
|-----------------------|---------|-------|--------|-------|--------------|
| کیفیت گزارشگری مالی | -۰/۲۸ | -۰/۲۶ | -۰/۰۳ | -۰/۷۳ | ۰/۰۹۸ |
| معاملات مدیریتی | ۵/۸۰ | ۵/۸۳ | ۹/۱۳ | ۳/۱۲ | ۰/۵۴۲ |
| قدرت مدیرعامل | ۱/۱۱ | ۱/۰۰ | ۳/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۱۸۴ |
| اندازه کمیته حسابرسی | ۳/۱۹ | ۳/۰۰ | ۵/۰۰ | ۳/۰۰ | ۰/۴۲۱ |
| استقلال کمیته حسابرسی | ۰/۷۰ | ۰/۶۶ | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۳۷۶ |
| اندازه شرکت | ۱۳/۷۵ | ۱۳/۸۰ | ۱۸/۲۱ | ۱۰/۰۲ | ۰/۹۸۴ |
| اهرم مالی | ۰/۵۹ | ۰/۵۶ | ۰/۸۱ | ۰/۱۱ | ۰/۱۵۰ |
| بازده دارایی‌ها | ۰/۱۲ | ۰/۱۱ | ۰/۵۵ | -۰/۳۴ | ۰/۱۹۵ |

منبع: یافته‌های پژوهش

آمار استنباطی

آزمون‌های ذکرشده از پنج درصد کوچک‌تر است؛ بنابراین، آماره‌های آزمون نشان‌دهنده ناهمسانی واریانس‌اند و سطح معناداری آنها فرض صفر این آزمون مبنی بر همسانی واریانس را تأیید نکرده‌اند. به بیان دیگر، باقی‌مانده‌های حاصل از تخمین مدل پژوهش، واریانس ثابت ندارند؛ به همین دلیل برای تخمین رگرسیون از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود.

یکی از پیش‌فرض‌های آزمون مدل رگرسیون، بررسی ناهمسانی واریانس باقی‌مانده‌های مدل است. ناهمسانی واریانس به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابرند. در این پژوهش برای بررسی ناهمسانی واریانس باقی‌مانده‌های مدل‌های پژوهش از آزمون‌های بروش پاگان، آزمون هاروی و آزمون گلجسر استفاده شد. با توجه به نگاره ۲، سطح خطای

نگاره ۲- آزمون همسانی واریانس باقی مانده‌ها

| نتیجه | آزمون هاروی | آزمون گلجسر | آزمون بروش - پاگان | آزمون | مدل |
|----------|-------------|-------------|--------------------|----------|-----|
| ناهمسانی | ۳/۸۲ | ۵/۴۱ | ۴/۶۸ | آماره اف | یک |
| واریانس | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | سطح خطا | |
| ناهمسانی | ۳/۶۴ | ۵/۰۶ | ۴/۵۹ | آماره اف | دو |
| واریانس | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | سطح خطا | |

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیرهای مستقل و کنترلی وجود ندارد. مطابق با نگاره ۳، میزان عامل تورم واریانس برای تمامی متغیرهای مستقل و کنترلی مدل‌های یک و دو پژوهش کمتر از ۱۰ است؛ بنابراین، مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد.

از دیگر پیش‌فرض‌ها در رگرسیون خطی، نبودن مشکل هم‌خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی مدل پژوهش است. برای بررسی مشکل هم‌خطی از عامل تورم واریانس استفاده شده است. چنانچه این آماره از عدد ۱۰ کوچک‌تر باشد، هم‌خطی شدید بین

نگاره ۳- نتایج آزمون مشکل هم‌خطی

| عامل تورم واریانس | | متغیرها |
|-------------------|--------|---------------------------------|
| مدل دو | مدل یک | |
| ۱/۲۵۱ | ۱/۰۱۴ | معاملات مدیریتی |
| ۳/۶۴۳ | - | قدرت مدیرعامل |
| ۳/۷۳۱ | - | قدرت مدیرعامل x معاملات مدیریتی |
| ۱/۰۲۹ | ۱/۰۲۵ | اندازه کمیته حسابرسی |
| ۱/۰۳۴ | ۱/۰۲۶ | استقلال کمیته حسابرسی |
| ۱/۰۱۰ | ۱/۰۰۹ | اندازه شرکت |
| ۱/۰۱۵ | ۱/۰۱۴ | اهرم مالی |
| ۱/۰۱۳ | ۱/۰۱۶ | بازده دارایی‌ها |

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین مدل پژوهش، از آنجا که سطح خطای آزمون چاو برای مدل‌های پژوهش کمتر از پنج درصد است از «داده‌های تابلویی» استفاده می‌شود؛ بنابراین، برای تعیین روش اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. از آنجا که سطح خطای آزمون هاسمن در مدل‌های پژوهش کمتر از پنج درصد است، نوع مدل منتخب «مدل اثرات ثابت» است.

در این پژوهش برای انتخاب روش مناسب به‌منظور تخمین مدل استفاده‌شده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون F مقید (چاو) استفاده شد. اگر سطح خطای آزمون چاو کمتر از پنج درصد باشد، مدل داده‌های تابلویی پذیرفته و در غیر این صورت (بیشتر از پنج درصد) از روش داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود. با توجه به نگاره ۴ برای

نگاره ۴- آزمون برآورد مدل پژوهش

| مدل | نوع آزمون | آماره آزمون | سطح خطا | نتیجه آزمون |
|-----|-------------|-------------|---------|--------------|
| یک | آزمون چاو | ۱۱/۲۴ | ۰/۰۰ | داده تابلویی |
| | آزمون هاسمن | ۲۳/۸۰ | ۰/۰۰ | اثرات ثابت |
| دو | آزمون چاو | ۱۲/۷۸ | ۰/۰۰ | داده تابلویی |
| | آزمون هاسمن | ۲۴/۰۶ | ۰/۰۰ | اثرات ثابت |

منبع: یافته‌های پژوهش

را در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفت. با توجه به اینکه ضریب متغیر معاملات مدیریتی (۰/۲۹-) منفی است، می‌توان با اطمینان بیان کرد معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر منفی معناداری دارد؛ این بدان معناست که با افزایش معاملات مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

برای آزمون فرضیه دو پژوهش، در مدل دوم ضریب متغیرهای مستقل و تعدیل‌گر و همچنین سطح معناداری آنها در سطح اطمینان ۹۵ درصد بررسی می‌شوند. برای تأیید یا رد فرضیه دو در جدول ۵ مدل دو، ابتدا ضریب و سطح معناداری معاملات مدیریتی بررسی می‌شوند. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب معاملات مدیریتی ۰/۰۴۳- و در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز معنادار است و معاملات مدیریتی موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. اکنون به ضریب و سطح معناداری قدرت مدیرعامل در مدل دو توجه کنید. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب قدرت مدیرعامل، ۰/۰۹۹- و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و قدرت مدیرعامل موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. در نهایت، ضریب و سطح معناداری قدرت مدیرعامل \times معاملات مدیریتی بررسی می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب ۰/۱۸۱- و سطح معناداری ۰/۰۰ است؛ با توجه به اینکه سطح

با توجه به نگاره ۵، سطح معناداری آماره والد تعدیل‌شده برای مدل یک و دو پژوهش کمتر از پنج درصد است که نشان‌دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس است. همچنین سطح معناداری آماره آزمون ولدریج برای مدل یک و دو پژوهش کمتر از پنج درصد است و نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی سریالی است؛ به همین دلیل برای رفع آن از مدل حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود. ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان با تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی مدل رگرسیون تبیین کرد. با توجه به نگاره ۵ می‌توان ادعا کرد به ترتیب ۶۶ و ۶۹ درصد از تغییرات متغیر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها با متغیرهای مستقل و کنترلی مدل‌های یک و دو تبیین می‌شوند. همچنین سطح خطای آزمون معناداری مدل‌های برازش‌شده یک و دو پژوهش از پنج درصد کمتر است؛ به همین دلیل می‌توان پذیرفت یافته‌های مدل‌های پژوهش برای تبیین رابطه متغیرهای مستقل و کنترلی با متغیر وابسته قابل اتکاست.

با توجه به نگاره ۵، در مدل یک پژوهش سطح معناداری برای متغیر معاملات مدیریتی ۰/۰۲۵ است؛ با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، می‌توان پذیرفت معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد. در نتیجه می‌توان فرضیه یک پژوهش

تفاوت معناداری دارند. ضریب معاملات مدیریتی زمانی که در قدرت مدیرعامل ضرب می‌شود از $-۰/۰۴۳$ به $-۰/۱۸۱$ افزایش می‌یابد؛ بنابراین، می‌توان با اطمینان پذیرفتنی بیان کرد قدرت مدیرعامل، اثر منفی معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را تشدید می‌کند.

معناداری کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، می‌توان پذیرفت قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد؛ در نتیجه می‌توان فرضیه دو پژوهش را در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفت. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره والد کمتر از پنج درصد است، می‌توان پذیرفت ضریب β_1 و β_3

نگاره ۵- نتایج آزمون مدل‌های پژوهش

| متغیر | شرح | مدل یک | مدل دو |
|---|--------------|--------|--------|
| عرض از مبدأ | ضریب | ۰/۴۷۶ | ۰/۶۹۴ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| معاملات مدیریتی | ضریب | -۰/۰۲۹ | -۰/۰۴۳ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۲۵ | ۰/۰۱۷ |
| قدرت مدیرعامل | ضریب | - | -۰/۰۹۹ |
| | سطح معناداری | - | ۰/۰۰۱ |
| قدرت مدیرعامل x معاملات مدیریتی | ضریب | - | -۰/۱۸۱ |
| | سطح معناداری | - | ۰/۰۰۰ |
| اندازه کمیته حسابرسی | ضریب | ۰/۰۶۲ | ۰/۰۵۸ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۰۵ | ۰/۰۰۷ |
| استقلال کمیته حسابرسی | ضریب | ۰/۱۲۹ | ۰/۱۱۹ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۰۲ | ۰/۰۰۳ |
| اندازه شرکت | ضریب | ۰/۰۴۳ | ۰/۰۳۷ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۳۱ | ۰/۰۳۴ |
| اهرم مالی | ضریب | -۰/۰۴۷ | -۰/۰۴۵ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۳۷ | ۰/۰۳۹ |
| بازده دارایی‌ها | ضریب | ۰/۰۸۷ | ۰/۰۸۲ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۳۰ | ۰/۰۳۱ |
| سطح معناداری آماره والد $H_0 = \beta_1 = \beta_3$ | | | ۰/۰۰ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۶۶ | ۰/۶۹ |
| سطح معناداری آزمون نکویی برازش مدل | | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| سطح معناداری آزمون والد تعدیل شده | | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| سطح معناداری آزمون ولدریچ | | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

مالی بوده است. به این منظور ابتدا تأثیر معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بررسی شد. سپس اثر تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری

کاهش می‌دهند تا آنها متوجه آثار واقعی معاملات مدیریتی صورت گرفته نشوند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دو پژوهش نشان دادند قدرت مدیرعامل موجب تشدید رابطه منفی بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود. براساس نظریه نمایندگی، قدرت مدیرعامل می‌تواند موجب افزایش مشکلات نمایندگی شود؛ زیرا قدرت مدیرعامل توانایی مدیران را برای گام برداشتن در راستای منافع مدیریتی و انحراف از منافع سرمایه‌گذاران تقویت می‌کند. در واقع قدرت مدیرعامل توانایی مدیران را در تسهیل معاملات مدیریتی افزایش می‌دهد و مدیران با استفاده از معاملات مدیریتی به صورت فرصت طلبانه منابع شرکت را برخلاف منافع سرمایه‌گذاران استفاده می‌کنند. همچنین قدرت مدیرعامل، ابزار و اختیارات لازم را به مدیرعامل برای دستکاری ارقام تعهدی اختیاری می‌دهد؛ از این رو، مدیران از قدرت خویش به صورت فرصت طلبانه برای کاهش کیفیت گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند. به اعتقاد بیکر و همکاران [۲۰] قدرت مدیرعامل ابزاری است که می‌تواند زمینه‌های سوء استفاده از قدرت را فراهم آورد. افزایش قدرت مدیرعامل توانایی و سطح اختیارات او را برای پیگیری منافع شخصی خویش افزایش می‌دهد و مدیران از این قدرت برای دستکاری ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند تا کیفیت گزارش‌های مالی را کاهش دهند؛ بنابراین، بر مبنای یافته‌های پژوهش مدیرعامل از قدرت خود به صورت فرصت طلبانه برای تسهیل معاملات مدیریتی استفاده می‌کند که این امر همراه با کاهش کیفیت گزارش‌های مالی صورت می‌گیرد.

مالی شرکت‌ها بررسی شد. در این راستا اطلاعات صورت‌های مالی ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه یک پژوهش نشان دادند معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر منفی معناداری دارد. در واقع با افزایش معاملات با اشخاص وابسته، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها کاهش می‌یابد. براساس فرضیه جدایی مالکیت از مدیریت و فرضیه تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران، معاملات مدیریتی می‌تواند به از دست رفتن ثروت سرمایه‌گذاران منجر شود؛ زیرا در برخی موارد هدف از انجام معاملات مدیریتی آن است که مدیران شرکت‌ها در قالب چنین معاملاتی دارایی‌های شرکت را به نفع خود از شرکت خارج کنند. مدیران در چنین شرایطی برای سرپوش گذاشتن بر اقدامات انجام شده، برخی ارقام تغییرپذیر در صورت‌های مالی (برای مثال ارقام تعهدی اختیاری) را به صورت ساختگی دستکاری می‌کنند تا کیفیت گزارش‌های مالی کاهش یابد و سرمایه‌گذاران گمراه شوند و متوجه وقایع صورت گرفته نشوند. نتایج حاصل از این فرضیه پژوهش با نتایج پژوهش مارچینی و همکاران در سال ۲۰۱۹ هم‌راستا است. مارچینی و همکاران [۵۱] اعتقاد دارند براساس نظریه نمایندگی مدیران ممکن است در راستای منافع سرمایه‌گذاران تصمیم‌گیری نکنند و با استفاده از معاملات مدیریتی، به خروج منابع شرکت‌ها به نفع خود اقدام کنند. آنها برای کاهش اثرات معاملات صورت گرفته بر وقایع مالی، اقدام به دستکاری گزارش‌های مالی می‌کنند؛ بنابراین، مدیران برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران، با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کیفیت گزارشگری مالی را

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، پیشنهاد‌های کاربردی برای استفاده از نتایج به شرح زیر ارائه می‌شوند:

- ۱) با توجه به تأثیر منفی معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها که نشان‌دهنده تشدید مشکلات نمایندگی در اینگونه معاملات است، به تحلیلگران و سرمایه‌گذارانی که نگران پیامدهای منفی دستکاری اطلاعات گزارش‌های مالی شرکت‌ها هستند، پیشنهاد می‌شود در تجزیه و تحلیل اطلاعات صورت‌های مالی، به نقش تأثیرگذار معاملات مدیریتی در تصمیم‌گیری‌های خود توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ زیرا احتمال بروز رفتار فرصت‌طلبانه مدیران از طریق انجام معاملات مدیریتی زیاد است و همین امر احتمال تضييع منافع سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد.
- ۲) با توجه به تأثیر افزایشی قدرت مدیرعامل بر رابطه منفی بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها که نشان‌دهنده تشدید مشکلات نمایندگی قدرت مدیرعامل است، به تحلیلگران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود علاوه بر معیارهای کمی تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی، به معیارهای کیفی نظیر قدرت مدیرعامل توجه داشته باشند؛ زیرا سطوح بالاتر قدرت مدیرعامل، احتمال سوء استفاده مدیرعامل از قدرت خویش برای دستکاری گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد و چنین اقداماتی مغایر با منافع سرمایه‌گذاران است.
- ۳) با توجه به نتایج پژوهش، معاملات مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند و این نشان‌دهنده فرصت‌طلبانه بودن اینگونه معاملات

است؛ بنابراین، به حسابرسان پیشنهاد می‌شود برای ارائه خدمات حسابرسی ریسک معاملات مدیریتی را در نظر بگیرند.

۴) با توجه به نتایج پژوهش، به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و همچنین سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود قوانین و الزاماتی را فراهم کنند که شرکت‌ها معاملات مدیریتی را به صورت جداگانه از مجموع معاملات با اشخاص وابسته افشا کنند تا ارکان نظارتی شرکت‌ها بتوانند با نظارت بیشتر و بهتر بر چنین معاملاتی از منافع سرمایه‌گذاران محافظت کنند.

همچنین برای انجام پژوهش‌های بیشتر در زمان آینده، موضوع‌های پژوهشی جدید به شرح زیر ارائه می‌شوند:

- ۱) پیشنهاد می‌شود تأثیر مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی (مانند اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و غیره) بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بررسی شود.
- ۲) پیشنهاد می‌شود تأثیر معیارهای کیفیت حسابرسی (مانند استقلال حسابرسی، تخصص حسابرس و غیره) بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بررسی شود.
- ۳) پیشنهاد می‌شود تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (مانند دوره تصدی کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و غیره) بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بررسی شود.
- ۴) پیشنهاد می‌شود تأثیر ساختار مالکیت (مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و غیره) بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بررسی شود.

منابع

۱. اسماعیل‌زاده مقری، علی، علی جان‌زاده قرا، صدیقه و امین هادیان. (۱۳۹۵). تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر سود سهام نقدی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۵۷-۷۲.
۲. انوشیروانی، فرزانه و رحمان ساعدی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و ارزش شرکت با نقش تعاملی رقابت بازار و حاکمیت شرکتی. *مجله علمی پژوهش مدیریت اجرایی*، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صص ۱۴۷-۱۷۳.
۳. بنافی، محمد، غیوری مقدم، علی، محمدمهدی دانا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر هزینه‌های نمایندگی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۱۵-۱۳۴.
۴. توانگر حمزه کلایی، افسانه و مهدی اسکافی اصل. (۱۳۹۷). ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱۸۷-۲۰۷.
۵. دارابی، رویا و محمود داودخانی. (۱۳۹۴). تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۳۱-۱۵۲.
۶. رجب‌لو، حسین و محمدرضا عبدلی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه راهبری شرکتی بر معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. *دومین کنفرانس سالانه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، اهواز، دانشگاه شهید چمران - سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان*.
۷. رضایی، فرزین و اکرم حسینی. (۱۳۹۶). تأثیر معاملات با اشخاص وابسته عادی و غیرعادی بر کیفیت سود شرکت‌ها. *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۳-۴۵.
۸. رهنمای رودپشتی، فریدون و آناهیتا زندگی. (۱۳۹۸). قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه مبتنی بر مدل لی. *پژوهش حسابداری و حسابرسی*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
۹. زارعی، علیرضا و معصومه قاسمی. (۱۳۹۵). اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی. *بررسی‌های حسابداری*، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۴۳-۶۴.
۱۰. سرلک، نرگس و مینا اکبری، (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۴، شماره ۲۰، صص ۷۷-۹۲.
۱۱. شعری، صابر و الهام حمیدی. (۱۳۹۱). شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۴۹-۶۴.
۱۲. کمیته فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۶). اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی. *استانداردهای حسابداری*، انتشارات سازمان حسابرسی.
۱۳. محمدی، علی، نیکوئی، علی و سردار اسمعیل‌زاده. (۱۳۹۷). تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر دستکاری فعالیت‌های واقعی، با تأکید بر نقش نظارتی راهبری شرکتی. *پژوهشنامه اقتصاد و کسب‌وکار*، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۴۱-۵۵.
- https://www.civilica.com/Paper-EMAC02-EMAC02_354.html

- earnings management. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Volume. 4, No. 52, PP. 1-23.
21. Bertrand, M. & Schoar, A. (2003). Managing with style: the effect of managers on firm policies. *Quarterly Journal of Economics*, Volume. 118, No. 4, PP. 1169-1208.
 22. Bebchuk, L., M. Cremers, & Peyer, U. (2011). The CEO pay slice. *Journal of Financial Economics*, Volume. 102, No. 1, PP. 199-221.
 23. Biddle, G.G., Hilary, K. & Verdi, R.S. (2009). How Does Financial Reporting Quality Relate to Investments Efficiency?. *Journal of Accounting and Economics*, Volume. 48, No. 2, PP. 112-131.
 24. Boumosleh, A., & Cline, B. (2019). CEO Power, Top Management Turnover, Firm Performance. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, forthcoming.
 25. Chen, J., & Xiao, X. (2011). Related party transactions as a source of earnings management. *Journal Applied Financial Economics*, Volume. 21, No. 3, PP.165-181.
 26. Corlacia, A., & Tudor, A. (2011). Related Party Transaction Overview, *Annales Universitatis Series Oeconomica*, Volume. 13, No. 2, PP. 248-241.
 27. Daie, M., & Hasnan, S. (2016). Related party transactions and earnings quality: Moderating effect of corporate governance. *Browse Journals & Magazines*. Volume. 21, No. 2, PP. 71-94.
 28. Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M. F. & McVay, S. E. (2013). Managerial ability and earnings quality. *Accounting Review*, Volume. 88, No. 2, PP. 463-498.
 29. Eisfeldt, A., & Kuhnen, C. (2013). CEO turnover in a competitive assignment framework. *Journal of Financial Economics*, Volume. 109, No. 1, PP. 351-372.
 ۱۴. مهران، کاوه، بیک بشرویه، سلمان و زهره شهیدی. (۱۳۹۳). رابطه سازوکارهای راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
 ۱۵. نجفیان، خدیجه و مهدی صفری گرایلی. (۱۳۹۶). معاملات با اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی: آزمون تجربی نظریه تضاد منافع. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۷۷-۹۰.
 ۱۶. نعمتی، حمید. (۱۳۹۸). نقش کیفیت حسابرسی در رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و مدیریت سود. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۱۵-۱۳۳.
 ۱۷. وقفی، سیدحسام، سلمانیان، مریم، مانیان، فرزاد و علی فیاض. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته با کیفیت افشا، مدیریت سود و سودآوری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۷، صص ۷۱-۹۴.
 18. Abdoli, M., Ghorbani, A., & Eskandari, M. (2014). Earnings Management with Restatement income Statement; TSE Corporation. *Journal of Educational and Management Studies*, Volume. 2, No. 4, PP. 224-227.
 19. Abdul Rasheed, P., Mallikarjunappa, T., & Thomachan, K. (2019) Promoter Ownership, Related Party Transactions and Firm Performance: A Study Among Select Companies in India, *FIIIB Business Review*, <https://doi.org/10.1177/2319714519834400>.
 20. Baker, T., Lopez, T., Reitenga, A., Ruch, G. (2018). The influence of CEO and CFO power on accruals and real

40. Koo, K. (2015). The Effects of CEO Power on Firm Value: Evidence from the Financial Crisis of 2008. *Accounting and Finance Research*, Volume. 4, No. 4, PP.13-25.
41. Koo, K., & kim, K. (2018). CEO power and firm opacity. *Applied Economics Letters*, <https://doi.org/10.1080/13504851.2018.1497841>.
42. Kohlbeck, M., & Mayhew, B. (2017). Are Related Party Transactions Red Flags?. *Contemporary Accounting Research*, Volume. 34, No. 1, PP. 900-928.
43. Kohlbeck, M., & Mayhew, B. (2010). Valuation of firms that disclose related party transactions. *Journal of Accounting and Public Policy*, Volume. 29, No. 2, PP. 115-137.
44. Kusnadi, Y., Leong, K., Suwardy, T., & Wang, J. (2016). Audit Committees and Financial Reporting Quality in Singapore. *Journal of Business Ethics*, Volume. 139, No. 1, PP. 197-214.
45. Landier, A., Sauvagnat, J., Sraer, D., & Thesmar, D. (2013). Bottom-up corporate governance. *Review of Finance*, Volume. 17, No. 1, PP.161-201.
46. Li, T., Munir, Q., & Karim, M. R. A. (2017). Nonlinear relationship between CEO power and capital structure: Evidence from China's listed SMEs. *International Review of Economics & Finance*, Volume. 47, No. 1, PP. 1-21.
47. Liu, Z., Ouyang, B., & Sun, X. (2015). CEO Power and Auditor Choice. *International Journal of Finance & Banking Studies IJFBS*, Volume. 4, No. 4, PP. 44-51.
48. Lo, A., & Wong, R. (2016). Silence is golden? Evidence from disclosing related-party transactions in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, Volume. 35, No. 5, PP. 540-564
49. Majiyabo, j., Okpanachi, M., & Nyor, T. (2018). Effect of Audit Committee Tenure on Financial Reporting Quality of Listed Deposit Money Banks in
30. El-Helaly, M., Georgiou, I., & Alan, L. (2018). The Interplay between Related Party Transactions and Earnings Management: The role of Audit Quality. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Volume. 32, No. 1, PP. 47-60.
31. El-Helaly, M. (2016). Related party transactions and accounting quality in Greece. *International Journal of Accounting and Information Management*, Volume. 24, No. 4, PP. 375-390.
32. Gordan, E. A., Elizabeth, A., & Elaine, H. (2005). Related Party Transactions and Earnings Management. *rutgers univers it y*. Retrieved from <http://papers.ssrn.com>
33. Hasnan, S., & Hussain, A. (2015). Factors Associated with Financial Restatements: Evidence from Malaysia. *Jurnal Pengurusan*, Volume. 44, No. 1, PP. 105- 116.
34. Henry, E., Gordon, E.A., Reed, B. & Louwers, T. (2012). The role of related party transactions in fraudulent financial reporting. *Journal of Forensic & Investigative Accounting*, Volume. 4, No. 1, PP. 186-213.
35. Jenter, D., & Katharina, L. (2015). Performance-induced CEO turnover, *Working Paper, Stanford University*.
36. Jeffrey Pfeffer, P. (2010). Power: Why Some People Have It—And Others Don't. *Harper Collins Publishers*.
37. Jones, J. J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, Volume. 29, No. 1, PP. 193-228.
38. Kibiyaa, M., Ahmada, A., & Amrana, N. (2016). Audit Committee Characteristics and Financial Reporting Quality: Nigerian Non-Financial Listed Firms, <http://dx.doi.org/10.15405/epsbs.2016.08.106>.
39. Koan, L., Tower, G., & Rusmin, N. (2017). Related Party Transactions and Earnings Management. *Jurnal Akuntansi dan Auditing Indonesia*, Volume. 12, No. 2, PP. 71-83.

56. Sánchez, C., Senra, C., & Alemán, J. (2017). Related-party transactions, dominant owners and firm value. *BRQ Business Research Quarterly*, Volume. 20, No. 1, PP. 4-17
57. Sheikh, S. (2018). CEO power, product market competition and firm value, *Research in International Business and Finance*, Volume. 46, No. 1, PP. 373-386.
58. Stephen, A., Adeniran, S., Francis, O., Alex, A., & Felicia, O. (2019). Does CEOs Power Moderate the Effect of Audit Committee Objectivity on Financial Reporting Quality in the Nigerian Banking Sector?. *Academy of Strategic Management Journal*. Volume. 18, No. 2, PP. 27-42.
59. Sun, Y., & Lu, D. (2017). Study on the Relationship Between Managerial Power and the Quality of Accounting Information. In Proceedings of the Fourth International Forum on Decision Sciences, 55-70.
60. Supatmi, S., Sutrisno T., Saraswati, E., & Bambang P. (2019). The effect of related party transactions on firm performance: the moderating role of political connection in Indonesian banking. *Business: Theory and Practice*, Volume. 20, No. 1, PP. 81-92.
61. Ting, H. (2014). CEO turnover and shareholder wealth: Evidence from CEO power in Taiwan, *Journal of Business Research*. Volume. 66, No. 12, PP. 2466–2472.
- Nigeria, *European Scientific Journal*, Volume. 14, No. 4, PP. 471-96.
50. Maigoshi, Z. S., Abdul Latifa, R., & Kamardina, K. (2017). Related Party Transactions and Earnings Management. *International Conference on Soft Science*, <http://dx.doi.org/10.15405/epsbs.2016.08.8>.
51. Marchini, P., Mazza, T., & Medioli, A. (2019). The impact of related party transactions on earnings management: some insights from the Italian context. *Journal of Management and Governance*, Volume. 22, No. 9, PP54-71.
52. Marchini, P., Mazza, T. and Medioli, A. (2018). Related party transactions, corporate governance and earnings management. *Corporate Governance*, Volume. 18, No. 6, PP. 1124-1146.
53. Malaysian Institute of Accountants (MIA). (2008). International Standard on Auditing 550. Nature of Related Party Relationships and Transactions. *Malaysia, IFAC*: 0-24.
54. Qin, Y. (2016). Relationship between CEO Power and Corporate Performance. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2767331>.
55. Rahmat, M., & Ahmed, K. (2020). Do Related Party Transactions affect Earnings Quality? Evidence from East Asia. *International Journal of Accounting and Information Management*, Volume. 28, No. 1, PP. 147-165